



## Studying the Legal Criminal Policy of Iran and England Regarding Economic Crimes

Mirmajid Taheri<sup>1</sup>, Ali Reza Milani<sup>2\*</sup>, Karim Salehi<sup>3</sup>

1. Department of Criminal Law and Criminology, United Arab Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE.

2. Department of Law, Faculty of Humanities, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

3. Department of Law, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** Financial crimes have a destructive effect on individuals, companies and governments and traditional methods of control and confrontation have not been able to reduce the increase of these crimes. Therefore, the best approach to deal with financial crimes is from the perspective of prevention, which requires the cooperation of all those who are affected by this widespread and corrosive social problem. Iran's legislative criminal policy does not have a comprehensive definition and prevents economic crimes and in the field of descriptive definition, it can be criticized due to the confusion between the description or the criterion of confrontation with the economic system and the criterion of being macro. Also, the legislator's performance in counting examples, which is due to the legislator's focus on criminal behavior that is currently possible, is associated with shortcomings, which has caused many problems in dealing with these crimes. Among them, one can mention the ambiguity in the examples and their non-comprehensiveness and non-obstacles. In the future, the legislative criminal policy of England shows the importance of the legislator of that country to the criminalization of economic crimes and the separate definition of each one separately.

**Method:** This research has been written based on the analytical-descriptive method and the tool of collecting and gathering resources with the library method.

**Ethical Considerations:** Scientific honesty and trustworthiness have been fully respected throughout the current research.

**Results:** The legislative criminal policy of Iran and England has criminalized cases sporadically without providing a definition and by determining a financial criterion in the amount of the crime.

**Conclusion:** In the legal system of the two countries, various types of economic crimes, including money laundering, disruption of the country's economic system, smuggling of goods and currency, tax crimes, embezzlement, collusion in government transactions and market manipulation have been criminalized, each of which has different characteristics. However, it seems that economic crimes will not be exclusive to these cases.

**Keywords:** Economic Crimes; Legal Criminal Policy; Iran's Criminal System; British Criminal System

**Corresponding Author:** Ali Reza Milani; **Email:** alirezamillani@yahoo.com

**Received:** October 05, 2023; **Accepted:** February 12, 2024; **Published Online:** June 20, 2024

### Please cite this article as:

Taheri M, Milani AR, Salehi K. Studying the Legal Criminal Policy of Iran and England Regarding Economic Crimes. *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e57.



## مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

### مطالعه سیاست جنایی تقنینی ایران و انگلستان در قبال جرائم اقتصادی

میرمجید طاهری<sup>۱</sup>، علیرضا میلانی<sup>۲\*</sup>، کریم صالحی<sup>۳</sup>

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد امارات متحده عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات.

۲. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

۳. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** جرائم مالی تأثیر مخربی بر افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها شده و روش‌های سنتی کنترل و مقابله نتوانسته‌اند از افزایش این جرائم بکاهند، لذا بهترین رویکرد مقابله با جرائم مالی از منظر پیشگیری بوده که نیازمند همکاری بین همه کسانی است که تحت تأثیر این معضل اجتماعی گسترده و فرساینده قرار گرفته‌اند. سیاست جنایی تقنینی ایران، تعریف جامع و مانع از جرائم اقتصادی وجود ندارد و در زمینه تعریف وصفی نیز به دلیل سردرگمی میان وصف یا معیار تقابل با نظام اقتصادی و معیار کلان‌بودن، قابل انتقاد است. همچنین عملکرد قانونگذار در احصای مصادیق که ناشی از تمرکز قانونگذار بر رفتارهای مجرمانه‌ای است که در حال حاضر امکان وقوع آن وجود دارد، با کاستی‌هایی همراه است که همین مسأله سبب مشکلات عدیده‌ای در مقابله با این جرائم شده است. از آن جمله می‌توان به ابهام در مصادیق و جامع‌نبودن و مانع‌نبودن آن‌ها اشاره کرد. در مقابل سیاست جنایی تقنینی انگلستان نشان‌دهنده توجه قانونگذار آن کشور به جرم‌انگاری مصادیق جرائم اقتصادی و تعریف جداگانه هر کدام به طور جداگانه است.

**روش:** این تحقیق بر اساس روش تحلیلی - توصیفی و ابزار فیش‌برداری و گردآوری منابع با روش کتابخانه‌ای به نگارش درآمده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در سراسر پژوهش حاضر صداقت و امانتداری علمی به طور کامل رعایت شده است.

**یافته‌ها:** سیاست جنایی تقنینی ایران و انگلستان بدون ارائه تعریف و با تعیین یک معیار مالی در میزان موضوع جرم، مواردی را به طور پراکنده جرم‌انگاری داده‌اند.

**نتیجه‌گیری:** در نظام تقنینی دو کشور انواع جرائم اقتصادی، از جمله پولشویی، اخلاف در نظام اقتصادی کشور، قاچاق کالا و ارز، جرائم مالیاتی، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، دستکاری بازار مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است که هر کدام دارای ویژگی‌های متفاوتی است، حال آنکه به نظر می‌رسد جرائم اقتصادی منحصر به این موارد نخواهد بود.

**واژگان کلیدی:** جرائم اقتصادی؛ سیاست جنایی تقنینی؛ نظام کیفری ایران؛ نظام کیفری انگلستان

نویسنده مسئول: علیرضا میلانی؛ پست الکترونیک: [alirezamillani@yahoo.com](mailto:alirezamillani@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Taheri M, Milani AR, Salehi K. Studying the Legal Criminal Policy of Iran and England Regarding Economic Crimes. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e57.

## مقدمه

گرچه در نظام حقوقی ما، قانون مستقلی برای جرائم اقتصادی وجود ندارد، اما این امر حاکی از بی‌توجهی به این‌گونه جرائم نیست. در حال حاضر که عدالت‌خواهی، شعار دولت و قوای حاکم بر کشور است، مبارزه با جرائم اقتصادی اهمیت زیادی پیدا کرده است، زیرا تحقق عدالت کیفری نیاز به توجه ویژه به این جرائم دارد و برای صیانت و حمایت از نظام اقتصادی بایستی برنامه‌ریزی‌های دقیق و علمی برای کوتاه‌مدت و درازمدت، هم از جهت اقتصادی و هم از لحاظ حقوقی صورت گیرد، بنابراین اولین حامی نظام اقتصادی خود علم اقتصاد و آخرین حامی آن حقوق جزا می‌تواند باشد. تدبیر و چاره‌اندیشی اصولی سیستم تقنینی جامعه در قالب شناسایی و جرم‌انگاری اعمال مذکور به عنوان اولین قدم در راه مبارزه کیفری نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت جامعه در قبال این جرائم دارد (۱).

کشور ما در حال حاضر با بخش‌های اقتصادی خارجی ارتباط گسترده‌ای دارد و شکوفایی اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که امنیت اقتصادی به ویژه در بخش سرمایه‌گذاری خارجی وجود داشته باشد. بی‌نظمی اقتصادی یا اختلال در آن گاهی موجب سلب امنیت و آسایش عمومی می‌شود و آثار و تبعات آن کلیت جامعه و زندگی اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد. اینجاست که برخورد قاطع و مبارزه جدی با اخلاک‌گرا در نظم اقتصادی از طریق واکنش‌های کیفری و مجازات مرتکبین ضرورت می‌یابد (۲). از این رو حفظ نظم و آرامش جامعه و کنترل پدیده‌های مجرمانه رسالتی است بر عهده سیاست جنایی هر کشوری که توسل به نظام کیفری یا ابزارهای غیر کیفری را دربر می‌گیرد. هسته اصلی سیاست جنایی کشور ما در قبال مفاسد اقتصادی توسل به حقوق کیفری است که مأموریت ارباب، تنبیه و ناتوان‌سازی مجرمین را در مقابله با پدیده‌های مجرمانه اقتصادی بر عهده دارد. یقیناً اثربخشی آن منوط به جرم‌انگاری مبتنی بر تفکر و اندیشه و آینده‌نگری است. جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن اعمال مجرمانه باید با استانداردهای خاص و مشخص و طی یک گزینش مطلوب و پذیرفتنی تعیین شود، به شیوه‌های مفهومی

جرم‌انگاری به توضیح شرایط ساختاری ویژه‌ای می‌پردازد که در آن اعمال خاصی به عنوان جرم پذیرفته شده و در نتیجه کنترل و مجازات می‌شوند. مبارزه با مفاسد اقتصادی مسأله و بحث روز اکثر جوامع، از جمله ایران است که هر از چندگاهی اخباری مبنی بر شیوع آن در حوزه‌های مختلف اجتماعی به گوش می‌رسد؛ صرف نظر از علل پیدایش این پدیده مضر، پاسخ تنبیهی جامعه که در قالب سیاست کیفری آن نمود پیدا می‌کند، اگرچه به تنهایی کافی نیست، اما نقش تعیین‌کننده‌ای در مبارزه و کنترل این اعمال مجرمانه دارد، تدبیر و چاره‌اندیشی اصولی سیستم تقنینی جامعه در قالب شناسایی و جرم‌انگاری اعمال مذکور به عنوان اولین قدم در راه مبارزه کیفری نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت جامعه در قبال این جرائم دارد (۳)، لیکن برخی حقوق‌دانان اعتقاد دارند که تعدد نهادهای قانونگذار و منابع قانونی، مسامحه در تدوین قوانین و جرم‌انگاری و... حکایت از کاستی‌هایی در حوزه سیاست جنایی ما در قبال مفاسد اقتصادی دارد و در مجموع باید عنوان کرد که نظم اقتصادی موضوع اصلی سیاست جنایی تقنینی خواهد بود (۴).

سیاست جنایی تقنینی، با توجه به اینکه بخشی از تدابیر بخشی از ارکان قدرت حاکمه و قوای عمومی، یعنی قوه مقننه می‌باشد، همواره در صدد جلب افکار و رضایت عمومی، برای استمرار و بقای قدرت سیاسی نیز می‌باشد و به عبارتی دیگر، استفاده از سیاست جنایی تقنینی، به عنوان ابزاری، در دست هیأت حاکمه، برای نیل به اهداف حکومتی و قدرت، به طور مستمر تداوم داشته است. این رویکرد، مستمرا و به اقتضای شرایط و موقعیت جامعه، در ابعاد ملی و فراملی، در حال نوسان بوده و بر این اساس، امیال و ذائقه مطالباتی جامعه، همواره در حالت تغییر و تبدیل است. رویکردهای تدابیر کیفری نیز همراه با تنوع مطالباتی، به سمت و سوی تنوع، جا به جایی و جایگزینی ادامه‌دار، در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان حرکت می‌کند. به بیانی دیگر، رابطه بین سیاست جنایی تقنینی و به تبع آن، سیاست کیفری به عنوان بخشی از بدنه حاکمیت با مطالبات عمومی، غالباً یک رابطه متقابل خواهد بود. از یکسو، افکار عمومی، خواسته‌هایی دارد که نظام کیفری در راستای جلب این افکار و رضایتمندی عموم در حرکت است و از سوی

دیگر، هر تصمیمی که سیاست جنایی در جهت تحصیل رضایت عمومی، اتخاذ می‌کند (تعدیل یا تشدید مجازات‌ها) مورد پسند افکار عمومی است (۵).

با این توضیحات باید عنوان کرد که سیاست جنایی تقنینی ایران و انگلستان در قبال جرائم اقتصادی سیاستی مبتنی بر جرم‌انگاری حداکثری و گاهی موسع است که قانونگذار، ابتدا قبل از هرگونه اقدامی با اعمال مجازات، سعی در کنترل بزه‌کاری اقتصادی دارد. به عبارت دیگر سیاست کیفری را بر سایر سیاست‌ها ترجیح داده است.

قانونگذار ما با همین رویکرد در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان اولین سند قانونی جدی در زمینه مبارزه با جرائم اقتصادی، این عنوان را استعمال نموده و با روش حصری مصادیق این دسته‌بندی از جرائم را برشمرده است، هرچند که تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از دیدگاه حقوقدانان، جرائم اقتصادی موارد اخلال خرد و کلان در نظام اقتصادی و فعالیت‌های اقتصادی را دربر گرفته که موضوع آن لزوماً اموال دولتی یا بیت‌المال دانسته نمی‌شد. در نقطه مقابل، موارد کلان فساد مالی و اداری که سبب تعرض عمده به بیت‌المال و اموال عمومی و دولتی می‌شوند، مفهوم فساد اقتصادی را به ذهن متبادر می‌نمود (۶). با توجه به حساسیتی که در جامعه نسبت به جرائم کلان اقتصادی و فسادآمیز ایجاد شده است، توجه قانونگذار به این مفهوم جدید اهمیت ویژه‌ای دارد.

اما در حقوق انگلستان وضعیت متفاوت است، به نحوی که تعدد قوانین، جداسازی مصادیق جرائم اقتصادی و دیدگاه افتراقی در برخورد با این جرائم، از جمله خصیصه‌های قابل توجه سیاست جنایی تقنینی این کشور هستند.

هدف این تحقیق بررسی نقاط ضعف و قوت سیاست جنایی تقنینی ایران نسبت به جرائم اقتصادی است تا بتوان در راستای اصلاح سیاست جنایی تقنینی گام مثبتی برداشت. در این وضعیت آنچه جای سؤال دارد، این است که سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرائم اقتصادی چه ویژگی‌هایی دارد؟

فرضیه این تحقیق نیز به شرح ذیل است: به نظر می‌رسد سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرائم اقتصادی سیاستی مبتنی بر جرم‌انگاری حداکثری و گاهی موسع است که قانونگذار، ابتدا قبل از هرگونه اقدامی با اعمال مجازات، سعی در کنترل بزه‌کاری اقتصادی دارد. به عبارت دیگر سیاست کیفری را بر سایر سیاست‌ها ترجیح داده است و عدم تخصیص قانون خاص یا عدم جرم‌انگاری تمام مصادیق این جرائم با جزئیات و همچنین پیش‌بینی‌نشدن راهکارهای پیشگیرانه از این جرائم نیز ایرادات سیاست جنایی ایران است.

### روش

این تحقیق بر اساس روش تحلیلی - توصیفی و ابزار فیشبرداری و گردآوری منابع با روش کتابخانه‌ای به نگارش درآمده است.

۱. پیشینه تحقیق: با بررسی تحقیق‌های مرتبط انجام‌شده درمی‌یابیم که موارد متعددی از جنبه‌های مختلف و متفاوت نسبت به این مقاله، موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند. جنبه جدید و نوآوری تحقیق به این شرح است:

باید عنوان کرد که در این مقاله سعی بر این است که به تعریف قانونی و راهکارهای علمی متناسب با شرایط داخلی و قانونی کشورمان ایران دست یابیم تا بتوانیم با استفاده از این تعریف یا تعاریف، قانونی کارآمد و به روز در جهت مقابله با این جرائم تدوین کنیم، البته با توجه به بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد که به شکلی که در مقاله قصد داریم مباحث مرتبط با این جرائم را بررسی کنیم، تاکنون کار تحقیقی انجام نگرفته و محدود کارهای انجام‌گرفته بیشتر به بررسی جرم‌شناختی این جرائم پرداخته‌اند.

علاوه بر مطالب ذکرشده، در این مقاله تمام جوانب جرائم اقتصادی از لحاظ قانونی و علم جرم‌شناسی و مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت تا بتوان با در نظر گرفتن تمامی جوانب و عوامل مؤثر در این جرائم به راهکارهایی منطقی و عملی برای قانونگذاری و تعریف این جرائم و مصادیق آن دست یابیم.

همچنین از جمله مواردی که به عنوان پیشینه تحقیق می‌توان نام برد، موارد ذیل است:

منوچهر مصطفی‌پور در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جرائم اقتصادی در ایران و راهکارهای پیشگیری از آنها» عنوان می‌کند که: «چالش‌هایی از قبیل عدم تعریف جرم اقتصادی و بالطبع عدم تعیین مصادیق آن، پراکندگی و بعضاً نامناسب بودن قوانین، هماهنگی و ارتباط ضعیف بین نهادهای مسئول پیشگیری و مبارزه با جرائم اقتصادی، ضعف آمار و اطلاعات و... در پیشگیری و کنترل جرائم اقتصادی و مبارزه با آن وجود دارد. با توجه به بررسی ارتباط شاخص‌ها با جرائم اقتصادی و همچنین نتایج نظرسنجی، از جمله راهکارهای پیشنهادی برای پیشگیری و کنترل جرائم اقتصادی می‌توان به ارائه تعریف قانونی جرم اقتصادی و تجمیع و پالایش قوانین مرتبط با جرائم اقتصادی به منظور تسهیل امور پیشگیری و کنترل، توجه جدی به مقوله بیکاری و اتخاذ سیاست‌های مناسب اشتغال‌زا جهت کاهش بیکاری به ویژه برای جوانان، تعیین حداقل دستمزد به صورت مناسب، کاهش نابرابری درآمدی از طریق سیاست‌های مناسب و اصلاح الگوی توزیع درآمدی در کشور، شفاف‌سازی فعالیت‌های مالی از طریق گزارش‌دهی دستگاه‌های مرتبط، اعمال اصلاحات مالی از طریق تعدیل قواعد مربوط به حفظ اسرار بانکی، ایجاد بانک اطلاعاتی مربوط به معاملات دولتی، طراحی و پیاده‌سازی سیستم اطلاعات یکپارچه مالی اشاره نمود (۷).

مجید صادق‌نژاد نایینی و شهرام ابراهیمی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جرم‌شناختی جرائم اقتصادی» می‌گویند: «آنچه امروزه به جرم اقتصادی مشهور شده است، متضمن لطمه شدید به نظام اقتصادی هر کشور و نیز نظام اقتصادی بین‌المللی، یعنی چرخه تولید، توزیع، حمل و نقل، مصرف و پول است، لذا سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا نیز در دهه اخیر در این خصوص، سیاست جنایی افتراقی با گرایش سخت‌گیرانه پیش‌بینی کرده‌اند. از آنجایی که مصادیقی از این جرائم مانند پولشویی و جرائم زیست‌محیطی جنبه جهانی پیدا کرده‌اند، به نظر می‌رسد که نظام حقوقی کشورهای مختلف در پرتو معاهدات بین‌المللی از

جمله کنوانسیون مریدا، به سمت نوعی همگرایی در پیشگیری و مبارزه با این‌گونه بزه‌کاری گام برمی‌دارند (۸).

حسین سلطانی‌فرد و همکارانشان در مقاله‌ای با عنوان «آیین دادرسی جرائم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل» به این نکته اشاره می‌کنند که «در ایران، جرائم اقتصادی سه جایگاه دارند که از جهت زمانی در طول هم قرار می‌گیرند: نخست، جایگاه مصدافی که در مقررات کیفری مصداق‌هایی از جرائم می‌توان یافت که نزدیک‌ترین مفهوم به جرائم اقتصادی را دارند و نمونه مشهور آن اخلال در نظام اقتصادی است؛ دوم، جایگاه قضایی و اجرایی که با توجه به سیاست‌های قوه قضاییه و رویکرد کلان ستاد مبارزه با جرائم اقتصادی با محوریت ادارات دولتی، مفهوم جرائم اقتصادی در سایه جرائم عادی معرفی می‌شود. سوم، جایگاه عنوانی که قانون‌گذار به صراحت از عنوان «جرائم اقتصادی» نام می‌برد ولی به تعریف آن نمی‌پردازد (۹).

آرونبرگ و هیگینگس (Aaronberg & Higgins) در مقاله‌شان عنوان می‌کنند که: «پیش از تصویب قانون ۲۰۱۰، جرم رشوه‌خواری در مفاد قانون اعمال فساد ارگان‌های عمومی ۱۸۸۹، قوانین پیشگیری از فساد سال ۱۹۰۶ و قانون پیشگیری از فساد ۱۹۱۶ گنجانده شده بود. این قوانین به عنوان قوانینی «درهم تنیده و نامرتب و در عین حال رضایت‌بخش» توصیف می‌شدند که نیاز به جایگزینی با یک «قانون مدرن مختصر که باید تضمین‌کننده انطباق مؤثرتر با تعهدات بین‌المللی بریتانیا برای مهار رشوه و فساد باشند» برآورده می‌کردند. علاوه بر این، سیاست جنایی تقنینی انگلستان از نظر رعایت تعهدات بین‌المللی مبارزه با فساد، ناسازگار، نابهنگام و ضعیف توصیف شده است (۱۰).

آندرسون (Anderson) در یک گزارش عنوان می‌کند که: «سیاست جنایی تقنینی انگلستان نسب به جرائم اقتصادی خصوصاً پولشویی در موضع ضعف قرار دارد و این موضوع در نوع مجازات در نظر گرفته‌شده برای این جرم مشاهده می‌شود. همچنین وجود مراجع متعدد رسیدگی‌کننده به این جرم نیز سبب ایجاد تعارض شده، به نحوی که هنگام مجازات خصوصاً

توقیف اموال، مشخص نیست کدام مرجع متولی این امر است (۱۱).

بارنز (Barnes) سیاست جنایی تقنینی انگلستان نسبت به جرم دستکاری مارکت و بورس توسط مرجع خدمات مالی (FSA)، به طور گسترده‌ای مدیریت شده است، اما به موجب خدمات مالی سال ۲۰۱۲، بعد از بحران مالی ۸-۲۰۰۷، مرجع راهبرد امور مالی (FCA) جایگزین FSA شد. سیاست جنایی انگلستان نسبت به این جرم، دارای سه مبنا می‌باشد: روش سوءاستفاده از بازار، قدرت‌های اجرایی FCA و گزارش معاملات مشکوک سوءاستفاده از بازار هم، در قانون و هم در دستورالعمل سوءاستفاده از بازار (MAD) تعریف شده است. بخش ۱۱۸ قانون خدمات مالی و بازارها (FSMA) سال ۲۰۰۰، این عملکرد را این‌گونه تعریف می‌کند که شامل معامله و تجارت براساس اطلاعات درونی است؛ فاش کردن اطلاعات درونی و مخفی به غیر از اطلاعات موجود در دوره زمانی ویژه استخدام؛ تجارتی که برداشت‌های گمراه‌کننده یا اشتباهی را ارائه می‌دهد؛ تجارتی که از فریبکاری یا توصیه‌های موهوم و غیر واقعی استفاده می‌کند؛ فاش کردن اطلاعاتی که منجر به یک برداشت و درک گمراه‌کننده و یا اشتباه می‌شود و عملکردی که احتمالاً قرار است بازار را غیر عادی جلوه دهد (۱۲).

#### یافته‌ها

سیاست جنایی تقنینی ایران و انگلستان بدون ارائه تعریف و با تعیین یک معیار مالی در میزان موضوع جرم، مواردی را به طور پراکنده جرم‌انگاری داده‌اند.

#### بحث

۱. جرائم اقتصادی در نظام کیفری ایران و انگلستان: در این قسمت به بررسی قوانین مختلف کیفری موجود در نظام حقوقی دو کشور خواهیم پرداخت و همچنین سعی بر آن داریم تا مفهوم جرم اقتصادی را نیز در دو کشور تحلیل و مبانی و عناصر تشکیل دهنده آن‌ها را مشخص کنیم.

۱-۱. قانون مجازات اسلامی: از دیرباز تا به امروز سیاست جنایی تقنینی ایران، هیچ‌گونه رویکردی به تفکیک و تجزیه در تدوین و تبیین قوانین کیفری نداشته است. این موضوع در رابطه با جرائم اقتصادی بیشتر به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که تا قبل از قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲ ش.) بزه و بزه‌کاری اقتصادی در هیچ کدام از قوانین جزایی مفهوم‌سازی و تبیین نشده و صرفاً عناوین خاصی، در قالب کلی مصادیق منتهی به شاخص‌های اقتصاد، قید گردیده که از محتوی و ویژگی آن، امکان به دست‌آمدن تعاریف و یا مشخصاتی که جرائم اقتصادی را در ذهن متبادر کند، منتفی می‌باشد. به عنوان مثال در باب جرم کلاه‌برداری موضوع قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاه‌برداری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، قرینه یا اماره‌ای که این عناوین از مجموعه جرائم اقتصادی تلقی شود، مشاهده نمی‌شود. قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ایران در سال ۱۳۹۲ همچنان رویه نامفهومی را که از تشخیص و تفسیر بزه‌های اقتصادی وجود داشت، حفظ کرده است و قانونگذار کیفری، به عنوان بخشی از قوای عمومی، همچنان، این جرائم را از ابعاد تعریف‌سازی و حتی مصداق‌سازی، در ابهام قرار داده است. به این معنی که اولاً در این قانون، هیچ‌گونه تعریفی از جرم اقتصادی ارائه نشده است؛ ثانیاً در باب مصادیق نیز به روشنی نمی‌توان مصادیق جرائم اقتصادی را تعیین نمود، حتی در مواردی که اقدام به عنوان‌سازی نسبت به این جرائم، نموده است، به دامنه ابهامات افزوده شده است. ماده ۴۷ از قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲ در باب استثنائات تعلیق اجرای مجازات در بند «ج» جرائم اقتصادی با موضوع جرم بیشتر از یکصد میلیون ریال را از قواعد تعویق و تعلیق اجرای حکم مستثنی کرده است. اینکه از جرم اقتصادی تعریفی، صورت نگیرد، اما در کلیات حقوق جزای عمومی به جرائم اقتصادی، اشاره گردد، در نوع خود قابل تأمل است.

۱-۲. قوانین خاص: با مذاقه در قوانین و مقررات خاص جزایی ایران درمی‌یابیم که هیچ‌گونه تعریف یا تبیینی نسبت به جرم اقتصادی صورت نگرفته است. قانونگذار کیفری در



۲. مفهوم سیاست جنایی و مصادیق آن: سیاست جنایی در دو مفهوم مضیق و موسع به کار برده می‌شود و مصادیق آن از مواردی همچون سیاست جنایی تقنینی، مشارکتی، قضایی و اجرایی تشکیل می‌شود (۱۵) که در این مقاله به جهت ارتباط موضوع فقط به بررسی سیاست جنایی تقنینی پرداخته خواهد شد.

۱-۲. مفهوم مضیق: جرم‌انگاری و برخورد کیفری توسط دولت با مجرمین، برجسته‌ترین شکل برخورد با جرم و مجرم می‌باشد. به همین علت نخستین کاربردهای سیاست جنایی در معنایی معادل حقوق کیفری یا سیستم کیفری که مبتنی بر جرم - مجازات و قانون می‌باشد، بوده است. همچنانکه در تعریف فوئرباخ (Feuerbach) سیاست جنایی به شیوه‌های سرکوب‌گر، اعمال‌شونده از سوی دولت و علیه جرم محدود شده است که در مقایسه با تحولات مفهوم سیاست جنایی می‌توان آن را مفهوم مضیق سیاست جنایی و یا سیاست کیفری نامید (۱۶).

۲-۲. مفهوم موسع: هر کدام از ارکان سه‌گانه مفهوم مضیق سیاست، در فرایند تحولات توسعه یافته است. فون لیست (Liszt) در اواخر سده نوزدهم سیاست جنایی را «مجموعه منظم اصولی که دولت و جامعه به وسیله آن‌ها مبارزه علیه بزه را سازمان می‌بخشد» تعریف می‌کند، همچنانکه می‌بینیم در این تعریف در کنار دولت جامعه نیز مسئول سازماندهی و اعمال سیاست جنایی در نظر گرفته شده است و از نظر خانم دلماس مارتی «سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیأت اجتماع با توسل به آن‌ها پاسخ‌ها را به پدیده مجرمانه سازمان می‌بخشد» که عبارت «هیأت اجتماع» علاوه بر نهادهای مختلف دولتی، جامعه مدنی را نیز در سازمان‌دهی مقابله با پدیده مجرمانه سهیم می‌گرداند (۱۷).

بنابراین امروزه در مفهوم موسع، سیاست جنایی عبارت است از کلیه تدابیر و اقدام‌های پیشگیرانه و سرکوب‌گرانه‌ای که توسط دولت و جامعه مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیشگیری از جرم، مبارزه با بزه‌کاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم بکار برده می‌شود (۱۶).

ایران، صرفاً به رویه جرم‌انگاری و کیفرگذاری پرداخته و بدون توجه به مبانی و اصول جرم‌انگاری به صورت مستمر و مداوم، هر اتفاق یا حادثه‌ای که در سطح جامعه واقع شده و احساس گردیده است که نیاز به جرم‌انگاری نسبت به مسائل و وقایع جاریه وجود دارد، بلافاصله به سمت طرح و تنظیم موادی برای مقابله و اقدام سرکوب‌گرانه کیفری متمایل شده است. این که آیا اساساً قوانین خاص، مانند قانون مبارزه با پولشویی (مصوب ۱۳۸۶ ش.) و اصلاحات بعدی آن و یا قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان (مصوب ۱۳۸۸ ش.) و قوانین خاص دیگر، با موضوعات مالی، اساساً در زیرمجموعه یا مصداقی از جرم اقتصادی می‌باشند یا خیر؟ و یا اینکه در تحلیل این موضوعات، می‌بایست به کدام یک از شاخص‌ها و یا تعریف جرم اقتصادی اعتماد شود؟ این موارد بزرگ‌ترین ابهاماتی است که وجود داشته و نشانه‌های از حل و فصل آن‌ها مشاهده نمی‌گردد. این مطلب که امروزه دولت‌ها در راستای کنترل و حمایت از روابط اقتصادی جامعه نه‌تنها به وضع قوانین و مقررات معین در اعمال مجازات شدید برای بزه‌هایی از قبیل کلاه‌برداری، تقلب در معاملات تجاری مبادرت می‌کنند، در فضای علمی و کاربردی سیاست جنایی، امری پذیرفته شده است (۱۳)، لکن در نظام کیفری ایران، این قوانین از قاعده و معیار مفهومی مشخص و سنجیده‌ای تبعیت نمی‌کند.

۱-۳. قوانین کیفری انگلستان: باید عنوان کرد که هیچ تعریف پذیرفته‌شده در مورد اصطلاح جرم اقتصادی در قوانین کیفری انگلیس وجود ندارد، اما حقوقدانان انگلیسی بیان می‌دارند که جرائم اقتصادی شامل هر جرمی که شامل کلاه‌برداری یا عدم صداقت باشد و همچنین سوءرفتار یا سوءاستفاده از اطلاعات مربوط به یک بازار مالی یا رسیدگی به عواید حاصل از جرم می‌شود. بنابراین این تعریف جرائم اقتصادی شامل فعالیت‌هایی مانند پولشویی و تأمین مالی تروریسم باشد (۱۴). با استناد به تعریف مذکور قانونگذار انگلستان در قوانین مختلف جرائم فوق‌الذکر را به طور جداگانه جرم‌انگاری کرده است.

گیرد تا با توجه به آن و بدون ذکر مصادیق مجرمانه احکامی کلی را بر مصادیق بار کند.

برخی دیگر نیز، جرم اقتصادی را، فعل یا ترک فعل مجرمانه‌ای که علیه نظام اقتصادی کشور، یعنی نظام‌های تولیدی، توزیعی، مصرفی و پولی، در سطح کلان، صورت می‌گیرد و طبق قانون، قابل مجازات می‌باشد، تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر، «جرم اقتصادی» رفتار مجرمانه‌ایست علیه نظام اقتصادی کشور که شامل نظام‌های توزیع، تولید، مصرف و پولی جامعه بوده و واجد صفت کلان‌بودن می‌باشد و در قانون برای آن مجازات تعیین شده است. در حال حاضر حدود دو هزار عنوان مجرمانه در مجموعه قوانین کیفری وجود دارد که بسیاری از آن‌ها می‌توانند از مصادیق جرائم اقتصادی به شمار آیند، اما مهم‌ترین جرائم اقتصادی عبارتند از: قاچاق کالا و ارز، پولشویی، احتکار، ربا و رباخواری، رشا و ارتشا، اخلال در نظام پولی و یا ارزی کشور، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی، اخلال در نظام تولیدی کشور، قاچاق میراث فرهنگی و ثروت ملی، تشکیل شرکت‌های مضاربه‌ای صوری، اخلال در نظام صادراتی کشور، تشکیل شرکت‌های هرمی، جرائم مالیاتی، جرائم مربوط به بازار اوراق بهادار (بورس). باید خاطرنشان کرد که با اینکه جرائم اقتصادی طیف وسیعی از جرائم را دربر می‌گیرد و از جهات بسیاری مشابه با سایر جرائم هستند، اما باید توجه داشت که تفاوت‌های عمده‌ای نیز با این جرائم دارند. در مورد جرائم علیه اموال به طور کلی، موضوع جرائم اقتصادی، کلیت جامعه و اختلال در نظم اقتصادی کشور است، در حالی که جرائم علیه اموال، علیه حقوق مالکانه یا علیه خود مال ارتکاب می‌یابند. هدف از جرم‌انگاری جرائم اقتصادی، حمایت کیفری از نظام اقتصادی کشور است و هدف از جرم‌انگاری جرائم علیه اموال، حمایت کیفری از حریم مالکیت خصوصی یا عمومی است (۲۲).

**۴. جرائم اقتصادی و مصادیق آن در حقوق انگلستان:** در نظام کیفری انگلستان جرائم اقتصادی به پولشویی، کلاهبرداری، ارتشا، فرار مالیاتی، سوءاستفاده از بازار و معاملات داخلی

**۲-۳. سیاست جنایی تقنینی:** سیاست جنایی تقنینی به منزله نخستین لایه سیاست جنایی که عبارت است از تدبیر و چاره‌اندیشی قانونگذار در مورد جرم و پاسخ به آنکه با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی و ایدئولوژیک هر کشور حالت‌های مختلفی به خود می‌گیرد و می‌توان آن را سلیقه قانونگذار و انتخاب‌های وی در انواع جرائم و مجازات‌ها و به طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرائم دانست که تبلور آن در قوانین مختلف هر جامعه، از جمله قوانین کیفری شکلی و ماهوی منعکس می‌شود (۱۸).

**۳. جرائم اقتصادی و مصادیق آن در حقوق ایران:** جرم اقتصادی در قانون ایران برای اولین بار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در بخش قواعد عمومی مجازات بیان شد که پیش از آن اصطلاح جرائم اقتصادی تنها یک چهره قضایی و بین‌المللی داشت (۱۹). قانون مذکور برای اولین بار طی مواد ۴۷ و ۱۰۹، با به کارگیری عنوان جرائم اقتصادی، این دسته از جرائم را مورد شناسایی قرار داده است. این امر گام مثبتی در راستای تدوین سیاست جنایی متناسب با این دسته از جرائم محسوب می‌شود (۲۰). جرم اقتصادی جرمی است که از دایره نهادهای ارفاقی چون تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و مرور زمان خارج است. با توجه به اینکه این قواعد عمومی یک سلسله امور شکلی می‌باشند و متفرع بر اصل ثبوت یک ذات هستند. سؤال اساسی این است که آیا معرفی این جرم در قوانین کیفری ماهوی دلیلی بر اثبات هویت محتوایی آن است؟ به نظر برخی نویسندگان تعریف جرم اقتصادی مفاسدی به دنبال دارد که با اهداف قانونگذار سازگار نیست، چراکه باعث محصور شدن مصادیق این جرم گشته و به تبع واکنش و حتی پیشگیری از آن را تا حدودی غیر میسر می‌سازد (۲۱).

البته باید این نکته را در ذهن داشت که همان‌گونه که برخی نویسندگان به این مطلب اشاره نموده‌اند، ارائه تعریف می‌تواند تنها در این حد راهگشا باشد که قانونگذار را در تعیین مصادیق مجرمانه راهنمایی کرده و به هیچ عنوان نمی‌تواند معیاری تلقی شود که در اختیار قضات مجریان قانون قرار



تقسیم‌بندی می‌شود که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۴-۱. پولشویی: کشور انگلیس به موجب معاهده‌های وین و پارمو و الزامات خود به موجب دستورالعمل‌های پولشویی، به طور کامل از تعهدات بین‌المللی تبعیت کرده است. منشأ جرم‌انگاری پولشویی را می‌توان در قانون ۱۹۸۶ که مربوط به جرائم قاچاق مواد مخدر است، یافت و قانون ۲۰۰۲ مربوط به جرم (Proceeds of Crime ACT) بر اساس قانون مذکور روزآمد و تدوین شده است، جرائم کیفری که در بخش ۷ از این قانون گنجانده شده‌اند، در اغلب مواقع شاهد افزایش تعداد تعقیب‌های کیفری و محکومیت‌های ناشی از پولشویی بوده‌ایم. قانون ۲۰۰۲ عصر جدیدی را در انگلیس در رابطه با جرم‌انگاری پولشویی ایجاد کرده است که قانون تدوین‌شده مجزایی است (۲۳). حوزه این جرم فوق‌العاده گسترده است و به معیارهای گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و اقدامات بین‌المللی سازمان ملل و اتحادیه اروپا می‌پردازد. دخیل بودن مسئول خدمات مالی (FSA) که اکنون مسئول مدیریت مالی (FCA) است، اقدامی نوآورانه برای کاهش دادن تأثیر پولشویی است. با وجود این، نهاد نظارتی شهری، یک رژیم پیچیده پرهزینه و گاهی اوقات غیر ضروری را اعمال کرده است، با این حال از طریق تحقق‌بخشیدن به رژیم انعطاف‌پذیرتر، دست کم به کاهش دادن تعهدات AML مبادرت کرده است (۲۴-۲۶).

مکانیسم‌های مساعدت حقوقی متقابل انگلیس معمولاً گسترده هستند و به اکثریت ابزارهای حقوقی بین‌المللی و پیشنهادات مناسب FATF پایبند می‌باشند. اقدامات پیشگیرانه به وسیله سیاست پیش از جایگذاری که از سوی FCA و به وسیله الزامات جامعی از مقررات پولشویی (۲۰۰۷ م.)، انتخاب می‌شوند، متجلی می‌شوند. با این وجود، این اقدامات پرهزینه‌اند و همانطور که قبلاً ذکر شد، گاهی اوقات آن رژیم بی‌جهت پیچیده است، با این حال آن‌ها با انتخاب رویکرد ریسک‌محور، دست کم به کاهش دادن تعهدات AML مبادرت کرده‌اند. الزامات گزارش‌دهی که در رابطه با گزارش فعالیت شک‌برانگیز (SAR) افشاگری است که به آژانس

ملی جرم و جنایت (NCA) درباره پولشویی شناخته شده یا مشکوک - تحت بخش ۷ قانون درآمدهای حاصل از جرم ۲۰۰۲ (POCA) تأمین مالی تروریسم - تحت بخش ۳ قانون تروریسم ارائه شده است) وضع شده‌اند، بارهای اجرایی مهمی را بر نهادهای مالی اعمال کرده‌اند. آن‌ها باعث افزایش سطح حفظ سوابق، ثبت گزارش و الزامات سیاستگذاری داخلی شده‌اند (۲۷). با توجه به موضع سرسختانه در رابطه با پولشویی، وضع الزامات گزارش‌دهی حتی اجباری‌تر اجتناب‌ناپذیر بود. با وجود این، با توجه به مشکلات در خصوص تعقیب‌های کیفری جرائم پولشویی، مشخص نیست که آیا ثبت SAR تفاوتی ایجاد خواهد کرد. به خصوص با توجه به تعداد زیادی از SAR ها که به طور سالیانه ارائه می‌شوند. همچنین می‌توان استدلال کرد که الزامات گزارش‌دهی، مشکل «پیدا کردن سوزن در انبار کاه» را ایجاد کرده‌اند (۲۴).

۴-۲. تأمین مالی تروریست: انگلستان، برخلاف بسیاری از دولت‌های دیگر، تعداد زیادی از مقررات مربوط به اقدامات ضد تروریست را قبل از حملات تروریست در سپتامبر ۲۰۰۱ ارائه داده است. به عنوان مثال، از اوایل قرن بیستم، انگلیس مقررات ضد تروریستی خاصی داشته است. قانون پیشگیری از تروریسم (شرط‌های موقت) ۱۹۸۹، مجموعه‌ای از اقدامات مرتبط با سرمایه‌گذاری ضد تروریستی (CTF) را که تقریباً به مدت یک دهه قبل از کنوانسیون بین‌المللی انجام شدند، مطرح کرد. هدف از این اقدامات، خنثی کردن تهدید اعمال شده از سوی ارتش جمهوری ایرلند و سایر نهادهای داخلی مرتبط با تروریست بود. با وجود این، مرور مفصل در زمینه کارایی این شرط‌های مطرح‌شده از سوی وزارت کشور تعیین کرد که آن شرط‌ها مناسب هدف مد نظر نبودند و باید اصلاح می‌شدند (۲۸). این امر باعث معرفی قانون تروریسم ۲۰۰۰ شد که شرط‌های تأمین مالی تروریست را که در قانون تروریسم (شرط‌های موقت) ۱۹۸۹ درج شده بودند، فسخ کرد. قانون تروریسم ۲۰۰۰ به وسیله قانون ضد تروریسم، جرم و امنیت ۲۰۰۱ و چندین ابزار قانونی مربوطه که پس از حملات

تروریستی در سپتامبر ۲۰۰۱ ارائه شدند، اصلاح شد. این اقدامات قانونی، جرم کیفری تأمین مالی تروریسم را توسعه داد که نهادهای گزارش‌دهنده را ملزم می‌کرد که گزارش‌های مربوط به اظهارات در خصوص تراکنش‌های مشکوک را که با هدف حمایت از تروریسم یا سرمایه‌گذاری در آن انجام می‌گرفتند، به NCA تحویل دهند و رژیم تحریم‌های سازمان ملل و اقداماتی که امکان توقیف دارایی‌های تروریست را فراهم می‌کردند، مطرح کرد. دولت انگلیس به طور کامل به قطعنامه‌های سازمان ملل و مقررات اتحادیه اروپا تحقق بخشیده است و باید به خاطر فراتر رفتن از حیطه تعهدات بین‌المللی خود ستوده شود (۲۹).

قانون تروریسم ۲۰۰۰، جرائم مربوط به تأمین مالی تروریست را که چهار محکومیت ناکافی را طی دوره ده‌ساله به بار آوردند، بررسی کرد و در حال حاضر مقررات درباره قوانین بین‌المللی تروریسم علاوه بر قوانین مربوط به تروریسم داخلی اعمال می‌شود. از زمانی که اولین نسخه این کتاب در سال ۲۰۱۳ چاپ شد، این عرصه در معرض پیشرفت مهمی قرار گرفته است (۳۰). تهدید اعمال‌شده از سوی تأمین مالی تروریسم، با استفاده از نمودار و با استفاده دائم از مجموعه به طور روزافزون گسترده‌ای از ابزارهای مالی که از سوی گروه‌های تروریستی به کار برده شده‌اند، نشان داده شده است. این مقوله به طور شفاف به واسطه تهدید دائم اعمال‌شده از سوی گروه‌های تروریستی از قبیل القاعده، بوکو حرام، الشباب و... روشن شده است. انگلیس حیطه اقدامات قانونی خود را که تأمین مالی تروریسم را مستوجب کیفر می‌دانند، توسعه داده است. با وجود این، به خاطر استفاده طاقت‌فرسا از شرط‌های کیفری، استفاده از این شرط‌ها هنوز در معرض نقدی گسترده قرار دارد. توانایی توقیف دارایی‌های سازمان‌هایی که مشکوک به تروریست هستند، از سال ۱۹۶۴ وجود داشته است، با این حال تا زمان سقوط طالبان طول نکشید که خزانه‌داری HM، دارایی‌هایی بیش از ۸۰ میلیون پوند را توقیف کرد. ابتدا به نظر می‌رسید که توانایی دولت در توقیف دارایی‌های سازمان‌های تروریستی، سلاحی مؤثر علیه تأمین مالی تروریست باشد.

سپس خزانه‌داری HM تنها ۱۰ میلیون پوند دیگر از دارایی‌های سازمان‌های مشکوک به تروریست را توقیف کرده است. با وجود این، به خاطر رأی صادرشده در *A v HM Treasury*، توانایی توقیف دارایی‌های سازمان‌های مشکوک به تروریست محدود شده است. توانایی انگلیس در خنثی‌کردن تهدید اعمال‌شده از سوی تأمین مالی تروریست، به وسیله چندین عقیده قضایی مهم که نه تنها اقدامات CTF مربوط به انگلیس را نقد کرده‌اند، بلکه همچنین آن‌ها را خلاف قانون اساسی اعلام کرده‌اند، محدود شده است. بنابراین این بخش از سیاست باید نقد شود، زیرا راه حلی کوتاه‌مدت برای مشکلی بلندمدت است. به خاطر منابع گسترده‌ای از حق انتخاب‌ها راجع به سرمایه‌گذاری که در دسترس تروریست‌ها قرار دارد، همچنین کارایی الزامات گزارش‌دهی به موجب قانون تروریسم و ضد تروریسم ۲۰۰۰، قانون جرم و امنیت ۲۰۰۱ باید مورد بررسی قرار گیرد. همچنین کارایی موضع انگلیس نسبت به تأمین مالی تروریسم به وسیله مبارزه سیاسی درون دولت که بر سر ایجاد سازمان جرم اقتصادی مجزا (ECA) می‌باشد، محدود شده است. این مقوله قبل از انتخابات عمومی در سال ۲۰۱۰ توسط فیشر (Fisher) مطرح شد و سپس به عنوان جزئی از توافق ائتلافی از سوی دولت ائتلافی انتخاب شد (۳۱). با وجود این، این ایده از سوی وزیر کشور، به نام ترسا می ام پی (Theresa May M.P) که انتخاب شد تا پس از معرفی و تصویب قانون جرم و دادگاه‌های ۲۰۱۳ به ایجاد NCA اولویت دهد، رد شد. نقش NCA به چهار «حکم» تقسیم می‌شود که یکی از آن‌ها «جرم اقتصادی» را مورد بررسی قرار می‌دهد. این رویکرد مجزا نسبت به تثبیت ECA مجزا که تنها به تمام جنبه‌های جرم مالی می‌پردازد، تأثیری نامطلوب بر توانایی انگلیس در بررسی تأمین مالی تروریسم داشته است (۳۲). به عنوان مثال، کمیته گزینش امور داخلی اظهار داشت که کارایی راهبرد CTF مربوط به انگلیس نیز به طور نامطلوب تحت تأثیر این واقعیت قرار می‌گیرد که در انگلیس، مسئولیت در قبال خنثی‌سازی تأمین مالی تروریسم در سرتاسر تعدادی از بخش‌ها و سازمان‌های اداری که هیچ

بخشی که پاسخگوی نظارت بر سیاست باشد، ندارند، گسترش داده می‌شود (۳۳). این مطلب از سوی اندرسون تأیید شد که اظهار کرد که: با این حال این واقعیت که توقیف دارایی به وسیله بخشی متفاوت از سایر قدرت‌های ضد تروریستی اجرا می‌شود، بدان معناست که تلاش بیشتر در صورتی ممکن است مورد نیاز باشد که توقیف دارایی همواره جایگزینی برای سایر اختیارات ممکن برای آن سازمان‌هایی که تصور می‌شود در تروریسم مشارکت داشته باشند، تلقی شود یا در رابطه با آن اختیارات در نظر گرفته شود (۱۱).

**۳-۴. کلاهبرداری:** قانون مجزایی در مورد کلاهبرداری در انگلستان (۲۰۰۶ م.) دارد، که انواع مختلفی از فعالیت‌های کلاهبردانه را جرم تلقی می‌کند و اختیارات جدیدی به دادستان‌ها می‌دهد تا به بررسی کلاهبرداری بپردازند؛ دومین بخش از سیاست ضد کلاهبرداری این کشور به سازمان‌های اولیه و ثانویه مربوط می‌شود و این بخش است که مستلزم اصلاح اساسی است. هیچ سازمان مجزایی که نقش اصلی را در بررسی کلاهبرداری داشته باشد، وجود ندارد؛ صرفاً سازمان‌های بسیار زیادی وجود دارند که نقشی یکسان را انجام می‌دهند، موضعی که به وسیله این واقعیت مبنی بر اینکه یک بخش دولتی که کل این امور را مدیریت کند وجود ندارد، بدتر می‌شود (۳۴). به عنوان مثال، خزانه‌داری HM به توسعه و اجرای سیاست‌های انگلیس راجع به پولشویی و تأمین مالی تروریست متهم شده است، با این حال ارتباط بسیار ناچیزی با سیاست کلاهبرداری انگلیس دارد. به علاوه وزارت کشور به بررسی مشکلات مرتبط با جرم سازماندهی شده متهم شده است، اما کارهای ناچیزی برای بررسی کلاهبرداری انجام می‌دهد. بنابراین توصیه می‌شود که وظیفه بررسی تمام انواع جرم مالی به یک بخش دولتی مجزا محول شود، با توجه به تجربه خزانه‌داری HM در زمینه پولشویی و تأمین مالی تروریست، محول کردن این وظیفه به آن منطقی به نظر می‌رسد. نمونه دیگری از هم‌پوشانی بین سازمان‌های ضد کلاهبرداری، به این واقعیت مربوط می‌شود که هم دفتر کلاهبرداری سنگین (SFO) و هم FCA از توانایی اجرای

تحقیقات و شروع تعقیب‌های کیفری برخوردارند. بودجه سه ساله معادل ۲۹ میلیون پوند به مسئول کلاهبرداری ملی (NFA) داده شده است تا صنعتی را که ارزش آن ۳۰ میلیارد دلار است، بررسی کند (۳۵). بنابراین با مأموریتی غیر محتمل، یعنی کاهش دادن میزان کلاهبرداری با بودجه‌ای بسیار اندک، رو به رو می‌شود. این چندان عاقلانه نیست یا اصلاً عاقلانه نیست. دولت انگلیس می‌بایست سازمانی واحد در خصوص جرم مالی را ایجاد کند که نقش‌های سازمان‌های تعیین‌شده در بالا را تلفیق کند. ممکن است استدلال شود که این فرایند قبلاً با ادغام چندین سازمان، از جمله گروه کوچکی از جرم ملی، سرویس اطلاعات کیفری ملی، سازمان بازپس‌گیری دارایی‌ها و سازمان جرم سازمان‌یافته سنگین درون NCA، آغاز شده است. مقررات اولیه‌ای که تعهدات گزارش‌دهی را اعمال می‌کند، Proceeds of Crime ACT، ۲۰۰۲ است که به موجب آن کلاهبرداری به NCA گزارش می‌شود. با وجود این، در بعضی از موقعیت‌ها اتهامات در خصوص کلاهبرداری به بانک‌ها و پلیس گزارش می‌شوند و بخش تحت نظارت آن‌ها را به FCA گزارش می‌دهد، نه به NCA. سیستم می‌بایست شفاف‌سازی شود.

SFO از زمان راه‌اندازی خود در سال ۲۰۰۹ در معرض سطح روزافزونی از موشکافی قرار گرفته است که درصدد کسب اجازه از دادستان کل است تا اتهامات در خصوص فساد را علیه BAE Systems Pic اقامه کند. به خاطر تعدادی از تعقیب‌های کیفری ناموفق و شناخته‌شده، عملکرد SFO از زمان ایجاد آن در دهه ۸۰ مورد انتقاد قرار گرفته است. با وجود این، اکنون که انگلیس از قانون کلاهبرداری مجزایی برخوردار است، قابل ذکر است که عملکرد و کارایی SFO بی‌شک بهتر خواهد شد. ایجاد سرویس تعقیب کیفری کلاهبرداری، ضمیمه‌ای مقبول برای اسلحه‌خانه انگلیس است و علائم اولیه در رابطه با نرخ محکومیت آن نویدبخش می‌باشند. با وجود این، ایجاد NFA باید مورد تردید قرار گیرد، زیرا اغلب نقش‌های FCA و SFO را تکرار می‌کند. صرفاً سطح دیگری از دیوان‌سالاری ناخواسته است. بنابراین به

شدت توصیه و گوشزد می‌شود که وظیفه اجرای نمونه‌های مشکوک به کلاهبرداری بر عهده NCA گذاشته شود (۳۶).  
**۴-۴. معامله داخلی:** در نتیجه بار سنگین اثبات دعوی که در این قبیل نمونه‌های دلالت‌کننده دشوار مورد نیاز است، جرم تلقی کردن معامله داخلی در انگلیستا حد زیادی یک نقص در نظر گرفته می‌شود. تلاش برای پرداختن به این نقص فرضی، به شکل رژیم مدنی که به عنوان بخشی از FSMA 2000 تصویب شد، درآمده است. تا حدی بدین‌خاطر که تنها چهار سال پس از اعمال الزامات دستورالعمل راجع به سوءاستفاده جنسی (MAD)، تغییراتی در آن‌ها به وجود آمد، حتی نه سال پس از تصویب رژیم مد نظر، قضاوت راجع به این مسأله که آیا این رژیم موفق‌تر شده است یا نه دشوار است (۳۷). قطعاً واضح و مبرهن است که سطح جرمه‌ها بالا می‌ماند و این مقوله، همراه با رویکرد تهاجمی‌تری که از سوی FCA، به خصوص راجع به تعقیب‌های کیفری در خصوص معامله داخلی، اتخاذ می‌شود، می‌بایست آن رژیم را مجاز سازند که در مأموریت خود، دست کم راجع به سوءاستفاده از بازار، ادعای موفقیت کند. با وجود این، می‌توان استدلال کرد که این مقوله بیشتر نتیجه رأی دولت ائتلافی راجع به لغو FSA در سال ۲۰۱۲ می‌باشد (۳۸). مفهوم جرم بدون قربانی و مشکلات دائمی در خصوص اثبات جرم، مشکل‌آفرین خواهند ماند، به خصوص اگر سرویس‌های مالی و محکمه بازارها، استاندارد اثبات کیفری را در نمونه‌های مهم‌تری اعمال کنند؛ این مشکلی است که می‌تواند باعث متوقف شدن سوءاستفاده از بازار شود (۳۹).

**۴-۶. رشوه‌خواری و فساد:** به موجب ارائه قانون رشوه‌خواری ۲۰۱۰، پیشگیری از رشوه‌خواری اخیراً توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. به موجب قانون شیوه‌های فساد هیأت‌های دولت ۱۸۸۹، قانون پیشگیری از فساد ۱۹۰۶ و قانون پیشگیری از فساد ۱۹۱۶، پذیرفته می‌شود که این مقررات نمایانگر پیشرفتی مهم در خصوص جرائم فعلی بود. جالب اینجاست که قانون رشوه‌خواری ۲۰۱۰ ایجاب می‌کند که شرکت‌ها رویه‌های کافی برای جلوگیری از رشوه‌خواری از افراد وابسته به خود داشته باشند. اگر نهادی بازرگانی نتواند مانع آن شود که شخص وابسته به آن، به خاطر آن نهاد مرتکب رشوه‌خواری نشود، مرتکب جرم شده است (۴۲). با وجود این، مشروط بر اینکه نهاد بازرگانی بتواند اثبات کند که «از رویه‌های کافی برای این کار که اشخاص وابسته به نهاد بازرگانی را از اجرای چنین رفتاری بازدارد، برخوردار می‌باشد»، از تعقیب کیفری جلوگیری خواهد کرد. روشن است که این شکل گسترش یافته سیستم ضد پولشویی است که از سوی FCA به کار برده می‌شود تا رشوه‌خواری و فساد را بگنجانند. به خصوص، قانون رشوه‌خواری ۲۰۱۰، حدود وظایف SFO را توسعه داد تا اتهامات رشوه‌خواری را تحت پیگرد قانونی قرار دهد، که این نیز پیشرفتی خوشایند است. با این حال، کارایی SFO به سطوح مناسب سرمایه‌گذاری که از سوی دولت انگلیس به آن اعطا می‌شود، بستگی خواهد داشت. با وجود این، از زمان انتخابات عمومی سال ۲۰۱۰، SFO به عنوان جزئی از اقدامات انقباضی گسترده، بودجه خود را کاهش داده است. به عنوان مثال، بودجه سالیانه SFO در سال ۲۰۰۸-۰۹

**۴-۵. سوءاستفاده از بازار:** می‌توان فرض کرد که رژیم سوءاستفاده از بازار از زمان ورود خود به سیستم مالی قانونی در انگلیس، به شیوه‌ای کارآمد عمل کرده است. آن رژیم با استفاده از FSA و اکنون FCA که به دنبال کردن راهبرد بازدارندگی معتبری ادامه داده‌اند، اجرا شد. با وجود این، آنچه که شاهد آن بوده‌ایم، کاهش تعداد جرمه‌های مالی است که از زمان شروع بحران مالی ۲۰۰۷-۰۸ از سوی نهاد نظارتی اعمال شده است (۴۰). می‌توان این مقوله را به واسطه سوابق

معادل ۵۳/۲ میلیون پوند، در سال ۱۴-۲۰۱۳ معادل ۳۲/۱ میلیون پوند و در سال ۱۵-۲۰۱۴ معادل ۳۰/۸ میلیون پوند بود. زمانی که نمونه‌هایی از جرم مالی افزایش یافته است و وظایف SFO گسترش یافته تا اعمال قانون رشوه‌خواری ۲۰۱۰ را نیز بگنجانند، تصمیم در خصوص کاهش دادن بودجه SFO باید مورد تردید و انتقاد قرار گیرد. با وجود این، به موجب قانون جرم و دادگاه‌های ۲۰۱۳، اختیاری جدید علیه رشوه‌خواری و فساد به SFO داده شده است: توافق در خصوص تأخیر در تعقیب کیفری. احتمال دارد که SFO به استفاده از این اختیار ادامه دهد و امید است که به واسطه این مکانیسم، این نوع جرم مالی کاهش داده شود (۴۳).

۴-۷. فرار مالیاتی/ جلوگیری از پرداخت مالیات: این مقوله، همچون سایر انواع جرم مالی که در این فصل بررسی شد، ظرف پنج سال اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است و به آن پوشش داده شده است. با توجه به اینکه عدم پرداخت مالیات بر درآمد که از سوی مؤسسه درآمد و گمرک HM (HMRC) جمع‌آوری می‌شود و با توجه به اینکه عدم پرداخت مالیات از سوی شرکت‌های چندملیتی بزرگ از قبیل گوگل، اوبر و آمازون در رسانه‌ها پوشش داده می‌شود، به این مقوله دامن زده می‌شود. فصل ما قبل آخر این کتاب با صراحت روشن ساخت که چگونه عدم جمع‌آوری درآمد، کارایی سیاست جنایی انگلیس نسبت به فرار مالیاتی/ جلوگیری از پرداخت مالیات را محدود ساخته است. به عنوان مثال، در نوامبر ۲۰۱۵، گزارش ارائه شده از سوی دفتر حسابرسی ملی نتیجه‌گیری کرد که طبق برآوردهای صورت‌گرفته، ۱۶ میلیارد پوند از درآمد مشمول مالیات به خاطر کلاهبرداری مالیاتی از دست داده شد (۳۸). می‌توان فرض کرد که واکنش انگلیس نسبت به فرار مالیاتی و جلوگیری از پرداخت مالیات، در مقایسه با سایر انواع جرم مالی که در این کتاب ذکر می‌شوند، به نسبت بی‌ارزش است. به عنوان مثال، افشاگری‌هایی دال بر اینکه بانک خصوصی HSBC در جلوگیری از پرداخت مالیات به مراجعین متعددی کمک کرده است، توسط افشاگر، یعنی هرو فالسیانی (Hero Falsiani)، ارائه شد. در واکنش به این

اتهامات شدید، HMRC نمونه‌ای ناکافی را به دایره دادرسی سلطنتی تسلیم کرده است تا مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. همچنین این مقوله در درک این مسأله که در انگلیس به این نوع جرم مالی اولویت داده نمی‌شود، نقش داشته است. با وجود این، جرم کیفری جدیدی از میان جرائم گروهی عدم موفقیت در جلوگیری از تسهیل فرار مالیاتی مطرح شده است و امید است که تفاوت ایجاد کند. با این حال، قابل ذکر است که این واکنشی نوآورانه نیست، زیرا جرائم مشابه هم‌اکنون در خصوص پولشویی و رشوه‌خواری وجود دارند (۴۴). همچنین همانطور که در سرتاسر این کتاب درباره سایر جرائم مالی خوانده‌ایم، ارتکاب جرائم مالی اساسی یک چیز است، اما پیگرد قانونی مسئولینی که در واقع مرتکب آن‌ها می‌شوند، چیز دیگری به نظر می‌رسد. بنابراین باید دید که آیا این جرم کیفری جدید تصویب خواهد شد، به طوری که رویکرد انگلیس نسبت به پولشویی و رشوه‌خواری را منعکس سازد و سپس، حتی اگر این‌گونه باشد، آیا HMRC «کسب و کارهای آسان» را برخلاف شرکت‌های سهامی چندملیتی که در واقع انگلیس را از مالیات بر درآمد محروم می‌کنند، هدف قرار خواهد داد.

### نتیجه‌گیری

در نظام کیفری ایران، از جمله قانون مجازات اسلامی ایران به عنوان پایه و مبنای حقوق کیفری ایران، تعریف و حتی مصدق‌ی مشخص از جرم اقتصادی وجود ندارد. همچنین در قوانین جزایی خاص نیز نشانه یا قرینه‌ای بر تعریف، مصداق‌سازی و تبیین جرم اقتصادی مشاهده نمی‌شود. علاوه بر آن، هم در قانون مجازات اسلامی ایران و هم قوانین کیفری خاص، موادی که مرتبط با اموال و اقتصاد تصویب شده است، دارای ابهامات و ایراداتی است که همین مسأله، بر دامنه معضلات سیاست‌گذاری‌های بعدی کیفری، افزوده است. مصدیقی هم که در هر دو مجموعه قوانین کیفری وجود دارد، علاوه بر آنکه به اختلافات نظری و کاربردی دامن زده، اساساً مشخص نکرده است که جرم‌انگاری صورت گرفته، آیا مصدق‌ی

زیاد توسعه در حال توسعه است. این دیدگاه نیز تا حدودی شبیه به دیدگاه سیاست جنایی تقنینی ایران است.

### مشارکت نویسندگان

میرمجید طاهری: نگارش مقاله، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، گردآوری منابع.

علیرضا میلانی و کریم صالحی: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

از جرم اقتصادی است یا امنیتی؟ به عنوان نمونه، در قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹، اخلال در نظام اقتصادی از طرق اخلال در نظام تولیدی و توزیعی یا پولی و...، چنانچه به قصد ضربه‌زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران باشد و یا با شرایط دیگر، ممکن است حتی به افساد فی الارض منتهی شود، در حالی که مفهوم افساد فی الارض در حقوق کیفری ایران، همواره بخش و مصداقی از جرائم امنیتی محسوب می‌شده است. معلوم نیست در سال تصویب این قانون، چگونه، جرمی اقتصادی (ولو آنکه تعریفی از جرائم اقتصادی وجود نداشته است) افساد فی الارض قلمداد شده است؟ بدیهی است که در موازین شرع و قانون، افساد فی الارض علیرغم اختلافات نظری و عملی، تکلیفش مشخص است و هرچند در کنار محاربه، همواره از جرم‌انگاری‌های اختلافی بوده است، اما الحاق و انتساب جرم اقتصادی به افساد فی الارض، قابل فهم و درک نیست. همچنین در آرا و اندیشه‌های کیفری نیز اختلافات وجود دارد و همین امر، تابعی از بلا تکلیفی سیاست جنایی تقنینی در باب جرائم اقتصادی است که قوانین کیفری را متورم، اما از تبیین و ارائه معیار مناسب برای شناخت بزه اقتصادی، دریغ کرده است. به نظر می‌رسد همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، بهتر است تا زمانی که قانونگذار کیفری ایران، روند مناسبی در ارائه تعریف مناسب و مصداق جرم اقتصادی ارائه نکرده است، به نظرات جامع جرم‌شناسی و حوزه‌های حقوق کیفری اعتماد کرد و در کنار تعریف واحد از جرم اقتصادی و معیار قراردادن اینکه جرم اقتصادی جرمی است که نظم اقتصادی را مختل نماید، حوزه‌هایی را که با این تعریف منطبق می‌باشند. به عنوان جرم اقتصادی، تلقی نمود. نظام کیفری انگلستان نیز دیدگاه قانونی معمولاً منطقی و گاهی اوقات تهاجمی را نسبت به جرم مالی داشته است. این مقوله در چندین سازمان اعمال قانون و نظارتی که وظیفه دشوار اعمال چارچوب‌های قانونی جامع به آن‌ها محول شده است، منعکس شده است. موضع انگلیس راجع به جرم مالی همچنان تکامل می‌یابد و با سرعتی بسیار



## References

1. Kousha J, Dehghani Sanij MR. Criminal policy in economic crimes. *Knowledge of Law and Finance*. 2017; 1(2): 93. [Persian]
2. Rahiminejad I. A look at the limitations, obstacles and legal deficiencies of economic crime control in Iran, *Encyclopedia of Criminal Sciences (Collection of New Criminal Sciences Articles)*. Tehran: Mizan Publications; 2013. [Persian]
3. Rastan Ra B. Legal mechanisms in dealing with economic crimes in the international arena and the government's responsibility in this regard. *Qanoon Yar*. 2020; 4(15): 317-350. [Persian]
4. Hassani J, Mehra N. Critiques on the concept of "economic crimes" in the Islamic penal code of Iran (1392). *Criminal Law and Criminology Studies*. 2015; 2(3): 45-69. [Persian]
5. Rahmanian H, Habibzadeh MJ. Penal Instrumentalism: Domain, Concept, Indicators. *Journal of Criminal Law Research*. 2014; 2(5): 47-71. [Persian]
6. Dadkhodaei L. Financial-administrative corruption and the criminal policy of dealing with it by relying on the United Nations Convention to Combat Corruption. Tehran: Mizan Publications; 2011. [Persian]
7. Mostafapour M. Investigating economic crimes in Iran and ways to prevent them. *Economic magazine (bimonthly review of economic issues and policies)*. 2016; 16(3-4): 53-76. [Persian]
8. Ebrahimi SH, Sadeghnejad Naeini M. Criminological Analysis of Economic Crimes. *Journal of Criminal Law Research*. 2014; 2(5): 147-174. [Persian]
9. Sltanifard H, Malmeir M, Alipour H. Economic Crimes Criminal Procedure; The Connection between Substance and Process. *Journal of Legal Studies*. 2018; 10(3): 159-194. [Persian]
10. Aaronberg D, Higgins N. Legislative comments the Bribery Act 2010: All bark and no bite...?) *Archbold Review*. 2010; 5: 6-9.
11. Anderson D. Third Report on the Operation of the Terrorist Asset-Freezing Etc. London: Act Government; 2013.
12. Barnes P. Insider dealing and market abuse: The UK's record on enforcement. *International Journal of Law, Crime and Justice*. 2011; 39(3): 174-189.
13. Shah Beigi I. Comparative study of institutions dealing with economic violations. Tehran: Mizan Publications; 2016. p.16. [Persian]
14. Podgor E. White collar crime: A letter from the future' *Ohio State. Journal of Criminal Law*. 2007; 5: 247-255.
15. Ghayumzadeh M, Ansari J, Atazadeh S. Iran and United State Criminal Policy on Fraud and Cyber Theft. *Criminal Intelligence Researches*. 2019; 14(3): 131-154. [Persian]
16. Najafi Abrandabadi AH. From Penal Policy to Criminal Policy, Preface to Criminal Policy. Tehran: Mizan Publications; 2021. p.10-12. [Persian]
17. Lazerges C. Introduction a la politique criminelle. Translated by Janafi Abrandabadi AH. Tehran: Mizan Publications; 2017. p.39. [Persian]
18. Azimzadeh SH. The dynamics of criminal policy effects in supporting women victims of violence. *The Judiciarys Law Journal*. 2005; 69(52-53): 205-252. [Persian]
19. Ayar SAR, Pakzad B, Alipour H, Saber M. Justifying differential treatment for economic crimes: the threat of crime or perpetrator's risk? *Journal of Criminal Law Research*. 2019; 8(28): 239-267. [Persian]
20. Momeni H, Rouhalemini M, Saed MJ. Iran's criminal policy in economic crimes. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(2): 109-127. [Persian]
21. Mirsaeidi SM, Zamani M. Economic Crime; Definition or Criteria? *Journal of Criminal Law research*. 2013; 2(4): 167-199. [Persian]
22. Barzegari F, Abbasi A, Esmaili M, Haji Tabar Firoozjaei H. Investigation of aggravated criminal foundations in the realm of economic crimes. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(1): 239-257. [Persian]
23. Simser J. Money laundering and asset cloaking techniques. *Journal of Money Laundering Control*. 2008; 11(1): 15-24.
24. Financial Action Task Force. Third Mutual Evaluation Report Anti-Money Laundering and Combating the Financing of Terrorism - United Kingdom. Paris: Financial Action Task Force; 2007.
25. Koningsveld JV. Money laundering - 'You don't see it, until you understand it': Rethinking the stages of money laundering process to make enforcement more effective'. In *Book: Research Handbook on Money Laundering*. Cheltenham: Edward Elgar; 2014. p.435.

26. Hopton D. Money Laundering: A Concise Guide for All Business. Farnham: Gower; 2009. p.3.
27. Hudson A. The Law of Finance. London: Sweet and Maxwell; 2009. p.34.
28. Charity Commission. Compliance toolkit: Protecting charities from harm. 2009. p.1.
29. Schott PA. Reference Guide to Anti-Money Laundering and Combating the Financing of Terrorism. Washington, DC: The World Bank Group; 2006.
30. Cassella SD. Reverse money laundering. Journal of Money Laundering Control. 2003; 7(1): 92-94.
31. Policy Exchange. Fighting and Financial Crime. London: Policy Exchange; 2010. p.4.
32. Hardouin P. Banks governance and public-private partnership in preventing and confronting organized crime, corruption and terrorism financing. Journal of Financial Crime. 2009; 16(3): 199-209.
33. Home Affairs Select Committee Counter-terrorism Seventeenth Report of Session 2013-14. London: Home Affairs Select Committee; 2014. p.40.
34. Wright R. Developing effective tools to manage the risk of damage caused by economically motivated crime fraud. Journal of Financial Crime. 2007; 14(1): 17-27.
35. Ormerod D. The Fraud Act 2006 - criminalising lying? Criminal Law Review. 2007; 193-219.
36. Sidak J. The failure of good intentions: The WorldCom fraud and the collapse of American telecommunications after deregulation. Yale Journal on Regulation. 2003; 20(2): 207-267.
37. Welch J, Pannier M, Barrachino E, Bernd J, Ledebor P. Comparative Implementation of EU Directives (I): Insider Dealing and Market Abuse. London: The British Institute of International and Comparative Law; 2005. p.9.
38. National Audit Office. Tackling tax Fraud: How HMRC responds to tax Evasion, the Hidden Economy and Criminal Attacks. London: National Audit Office; 2015. p.6.
39. Alexander K. Insider dealing and market abuse, the Financial Services and Markets Act 2000. Working Paper No.222, ESRC Centre for Business Research, University of Cambridge. Cambridge: University of Cambridge; 2001. p.4.
40. Sheikh S. FSMA market abuse regime: A review of the sunset clauses International. Company and Commercial Law Review. 2008; 19(7): 234-236.
41. McKee M. The proposed E.U. Market Abuse Directive. Journal of International Financial Markets. 2001; 3(4).
42. Sanyal R, Samanta SJ. Trends in international bribe-giving: do anti-bribery laws matter? Journal of International Trade Law & Policy. 2011; 10(2): 151-164.
43. Beale K, Esposito P. Emergent international attitudes towards bribery, corruption and money laundering'. Arbitration. 2009; 75(3): 360-373.
44. Thompson E. Call for clarity on future of law on corporate tax evasion. Company Lawyers. 2016; 37(1).